

## رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان

### The Relationship Between Parenting Style and Addiction Susceptibility in Children

A. Zeinali, Ph.D. ✉

R. Vahdat, M. A.

K. Garadingeh, M. A.

دکتر علی زینالی ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

رقيه وحدت

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

خاور قره دینگه

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۸/۲۳

پذیرش مقاله: ۸۹/۸/۲۹

#### Abstract

The aim of this study is to determine the effect of parenting style on the prediction of Addiction Susceptibility (AS) in children. The present study plans to investigate whether different parenting styles lead to shaping various addiction susceptibility in children. Participants were 304 single male and female students of Islamic Azad University at Khoy Branch. Participants were between 19 and 26 years of age and were chosen using Stratified Random Sampling method.

#### چکیده:

هدف از مطالعه حاضر تعیین تأثیر نوع سبک والدینی در پیش‌بینی میزان استعداد اعتیاد فرزندان است. به این منظور پژوهش حاضر قصد دارد بررسی کند، آیا سبک‌های والدینی مختلف به شکل‌دهی استعداد متفاوت برای اعتیاد در فرزندان می‌انجامد؟ شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۰۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی خوی بودند که دامنه سنی بین ۱۹ تا ۲۶ سال داشتند و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Islamic Azad University; Khoy Branch, Khoy, Iran.  
Tel: +9809143409171  
Email: [zeinali@iaukhoy.ac.ir](mailto:zeinali@iaukhoy.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: خوی، بلوار ولایت فقیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۹۱۴۳۴۰۹۱۷۱  
پست الکترونیک: [zeinali@iaukhoy.ac.ir](mailto:zeinali@iaukhoy.ac.ir)

Data were gathered using the addiction susceptibility questionnaire-student version (ASQ-SV) and the parenting style questionnaire (PSQ). Data were analyzed using multiple regression and partial correlation. The results show that paternal and maternal authoritative parenting style (PS) has a negative and significant relationship with children's AS. Authoritative PS is a reverse and significant predictor of children's AS. Father's and mother's authoritarian PS has a positive and significant relationship with their children's AS. Authoritarian PS is a direct and significant predictor of children's AS. Parents' neglectful PS has also a positive and significant relationship with children's AS. Mother's neglectful PS is a direct and significant predictor of children's AS. Father's neglectful PS, however, is not a significant predictor of children's AS. Permissive PS does not show a significant relationship with children's AS. The present study introduces authoritative PS as the most efficient style in terms of reducing AS and authoritarian and neglectful PS as the most inefficient styles in terms of increasing AS. Thus, Parents training should be the main goal of drug demand reduction program (DDRP).

**Keyword:** addiction susceptibility, parenting style, children.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استعداد اعتیاد- ویراست دانشجویان ASQ-SV و پرسشنامه سبک‌های والدینی PSQ بود. داده‌های حاصل از شرکت‌کنندگان در پژوهش به وسیله رگرسیون چندمتغیری و ضریب همبستگی تفکیکی تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند، سبک والدینی مقتدر پدر و مادر رابطه منفی و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد و پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنادار آن است. سبک والدینی مستبد پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد و پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار آن است. سبک والدینی بی‌اعتنای پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان دارد. سبک والدینی بی‌اعتنای مادر پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار آن است اما سبک والدینی بی‌اعتنای پدر پیش‌بینی‌کننده معنادار آن نیست. سبک والدینی آزادگذار پدر و مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد. پژوهش حاضر سبک والدینی مقتدر را به عنوان کارآمدترین سبک از نظر کاهش استعداد اعتیاد و سبک‌های والدینی بی‌اعتنا و مستبد را به عنوان سبک‌های ناکارآمد از نظر افزایش استعداد اعتیاد در فرزندان معرفی می‌نماید و آموزش به والدین را در این زمینه جزء اهداف اصلی برنامه‌های کاهش تقاضای مصرف مواد می‌داند.

**کلیدواژه‌ها:** استعداد اعتیاد، سبک‌های والدینی، فرزندان

## مقدمه

اعتیاد یک بیماری جسمی، روانی، اجتماعی و روحانی<sup>۱</sup> (گالانتز، ۲۰۰۶) است که در شکل‌گیری آن زمینه‌های پیش‌اعتیادی متعددی نقش اساسی ایفا می‌کنند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند، اعتیاد در مصرف‌کنندگان نیکوتین، الکل، تریاک تنها در بخش کوچکی از جمعیت که به مصرف مزمن مواد

می‌پردازند، روی می‌دهد. برای مثال الکل حدود ۱۵-۱۲٪، نیکوتین حدود ۱۰-۵٪، تریاک ۲-۱٪، این مطالعات سه نکته را مشخص می‌کنند: ۱- تمام کسانی که با مواد اعتیادآور مواجه می‌شوند، وابسته یا معتاد نمی‌شوند. عیار عبور<sup>۳</sup> از مصرف به اعتیاد پایین است. ۲- مواجه طولانی با مواد، شرط کافی برای اعتیاد نیست. علی‌رغم مصرف طولانی مدت سیگار، الکل و تریاک برخی مصرف‌کنندگان، معتاد نمی‌شوند. از سوی دیگر برخی اشخاص تنها بعد از چند بار مواجهه شدن با مواد معتاد می‌شوند. ۳- کسانی که مستعد اعتیاد هستند به مصرف مواد چندگانه تمایل دارند (هیروی<sup>۴</sup> و آگاتسوما<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). نظریه استعداد اعتیاد<sup>۶</sup> بیان می‌کند که برخی افراد مستعد اعتیاد هستند و اگر در معرض آن قرار گیرند، معتاد می‌شوند اما اگر کسی استعداد نداشته باشد، معتاد نمی‌شود (گندروا و گندروا<sup>۷</sup>، ۱۹۷۰). مصرف مواد یک پدیده رشدی است که به صورت خطی از اوایل نوجوانی تا اوایل جوانی افزایش می‌یابد (یانگ و دیگران، ۲۰۰۲). ممکن است اوج تجلی استعداد اعتیاد در طی زندگی، اوایل نوجوانی تا اوایل جوانی باشد (وحدت و زینالی، ۱۳۸۸). اعتیاد، قبل از آن که فرد مصرف مواد را شروع کند، در طی دوران رشد به موازات شکل‌گیری افکار، عقاید، رفتار، شیوه زندگی، روابط اجتماعی، خصوصیات شخصیتی و... بستر ظهورش فراهم می‌شود (زینالی، وحدت و عیسوی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر قبل از آن که فرد به مصرف مواد روی بیاورد، زمینه و آمادگی آن ایجاد می‌شود که تحت عنوان استعداد اعتیاد مطرح است (زینالی و دیگران، ۱۳۸۷، فرانک<sup>۸</sup> و دیگران، ۲۰۰۳؛ فلاگل<sup>۹</sup>، وازگوز<sup>۱۰</sup> و رابینسون<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳؛ آگاتسوما و هیروی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴).

فرانک و دیگران (۲۰۰۳) با اشاره به رشد و ایجاد این آمادگی در طی زندگی بیان می‌کنند، اشخاصی که وابسته به مواد رشد می‌کنند، ممکن است ریسک فاکتورهای روان‌پزشکی متفاوت‌تری داشته باشند. آن‌ها دریافتند که در اعتیاد، ریسک فاکتورهای محیطی، در دسترس قرار گرفتن مواد را تسهیل می‌کنند و ریسک فاکتورهای روان‌پزشکی، احتمال رشد وابستگی به مواد را بالا می‌برند. از سوی دیگر فلاگل و دیگران (۲۰۰۳) دریافتند که افزایش توجه و رسیدگی والدین به دنبال حوادث استرس‌آمیز در طی رشد اولیه، اثرات حفاظتی در مقابل رفتارهای داروجویانه در آینده دارد. این مطالعه نشان داد که چگونه حوادث اولیه زندگی لایه‌های نوروبیولوژیکی را تغییر می‌دهد و کمک می‌کند استعداد و آمادگی متفاوتی به سوءمصرف داروها در نوجوانان و بزرگسالان ایجاد شود. مینویی و صالحی (۱۳۸۲) نشان دادند، بین نمرات دانش‌آموزان و معتادان در مقیاس استعداد اعتیاد<sup>۱۳</sup> (APS): یکی از سه خرده مقیاس MMPI-2 که توسط وید، باچر، مک‌کنا و بن-پوراث<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۲) ساخته شده است) تفاوت معناداری وجود دارد. وحدت (۱۳۸۴) به بررسی شیوع استعداد اعتیاد در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های ارومیه (۱۴ تا ۲۰ سال) بر اساس مقیاس APS پرداخت، او نشان داد که ۴۳/۲ درصد دانش‌آموزان دارای استعداد اعتیاد بسیار کم و کم، ۴۲/۸ درصد دارای استعداد اعتیاد متوسط تا زیاد و ۱۴/۱ دارای استعداد اعتیاد خیلی زیاد هستند. حساس‌ترین موضوعی که در

مطالعات این حوزه به چشم می‌خورد اشاره به وجود استعداد و آمادگی در برخی اشخاص برای اعتیاد است. تأکید پژوهش‌های انجام یافته در این حوزه، بر اساس و با اهمیت بودن روابط خانوادگی، اجتماعی و عوامل روان‌شناختی در شکل‌دهی بیماری اعتیاد تا حدی است که صحبت از تأثیر این عوامل در ایجاد تغییرات نوروبیولوژیکی مؤثر در استعداد برای وابستگی به مواد شده است. مطالعات این حوزه در مورد وجود استعداد و آمادگی برای اعتیاد اتفاق نظر دارند اما علل آن به عوامل متعدد مانند: صفات شخصیتی زمینه‌ساز اعتیاد<sup>۱۴</sup> (هیرویی و آگاتسوما، ۲۰۰۵)، کیفیت مراقبت‌های والدینی (فلاگل و دیگران، ۲۰۰۳)، رشد بیمارگون در ۶ زمینه روانی- اجتماعی (زینالی و دیگران، ۱۳۸۷) و وجود ریسک فاکتورهای روان‌پزشکی (فرانک و دیگران، ۲۰۰۳) نسبت داده می‌شود. مطالعه حاضر به بیماری اعتیاد به عنوان یک پدیده رشدی می‌نگرد که بنیان آن در درون نظام خانواده پی‌ریزی می‌شود. از بین عوامل تأثیرگذار خانواده، شیوه تربیتی والدین یکی از مهم‌ترین آن‌ها است.

خانواده به عنوان یکی از زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین سازمان تعیین‌کننده سلامتی و بیماری اعضایش محسوب می‌شود و والدین نخستین و مهم‌ترین نقش را در آن ایفا می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهند، سبک‌های والدینی در عملکرد سالم و سازگاری فرزندان نقشی بس حیاتی دارند. مطالعات انجام یافته در مورد سبک‌های والدینی مربوط به کارهای کلاسیک بامریند (۱۹۷۱) است که مکوبی و مارتین (۱۹۸۳) این مدل را بازنگری کردند. طبق نظر بامریند (۱۹۷۱) سبک‌های والدینی می‌توانند بر اساس دو مشخصه توقع<sup>۱۵</sup> و پاسخ‌دهی<sup>۱۶</sup> طبقه‌بندی شوند. توقع به این اشاره دارد که والدین انتظار رفتارهای پخته دارند، بنابراین کنترل و نظارت می‌کنند. پاسخ‌دهی اشاره می‌کند به این‌که والدین گرمی عاطفی و پذیرش نشان می‌دهند و خود را درگیر کارهای کودکان می‌کنند. براساس این دو مشخصه بامریند (۱۹۷۱) سه سبک والدینی را معرفی کرد (۱۹۷۱): مستبد<sup>۱۷</sup>، مقتدر<sup>۱۸</sup> و آسان‌گیر<sup>۱۹</sup> (آزادگذار)؛ بعدها مکوبی و مارتین (۱۹۸۳) سبک بی‌اعتنا<sup>۲۰</sup> را اضافه کردند. در این تیپ‌شناسی، بامریند (۱۹۹۱) چهار سبک والدینی را بدین صورت شرح می‌دهد: والدین مستبد، سطح بالایی از توقع به همراه سطح پایینی از پاسخ‌دهی را نشان می‌دهند. والدین مقتدر، سطح بالایی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخ‌دهی را نشان می‌دهند. والدین آزادگذار، سطح پایینی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخ‌دهی را نشان می‌دهند. والدین بی‌اعتنا، سطح پایینی از توقع به همراه سطح پایینی از پاسخ‌دهی را نشان می‌دهند.

این‌که والدین چه سبک تربیتی داشته باشند نتایج آن برای کودکان متفاوت خواهد بود. پلرین<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۵) این نتایج را چنین توصیف می‌کند: کودکان والدین مقتدر شایستگی‌های شناختی و اجتماعی بالاتر، احساس سلامتی روان‌شناختی بهتر و تبادل رفتاری بهتری با دیگران دارند. کودکان والدین مستبد، عیار پایینی از مشکلات رفتاری و مصرف مواد، همراه با شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس پایین از خود نشان می‌دهند. کودکان والدین آسان‌گیر، شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس بالایی دارند،

اما انگیزه پیشرفت پایین، درگیری پایین با مسائل تحصیلی و عیار بالای مشکلات رفتاری و مصرف مواد دارند. کودکان والدین بی‌اعتنا، بدترین بازده را در شایستگی شناختی، اجتماعی، عملکرد تحصیلی، سلامتی روان‌شناختی و مشکلات رفتاری دارند. فولادچنگ (۱۳۸۵) نقش دو بعد کنترل و محبت والدینی را در سازگاری نوجوانان بررسی کرد. وی نشان داد، نوجوانانی که از محبت والدینی بیشتری برخوردارند، سازگاری بیشتری هم نشان می‌دادند اما میزان کنترل والدینی نقشی در میزان سازگاری فرزندان ندارد. کومبس و لندسورک<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۸) بیان داشتند، رابطه والد - فرزند یک عرصه منطقی برای مطالعه این‌که چرا برخی فرزندان الکل مصرف می‌کنند، برخی دیگر دارو و برخی دیگر از مصرف امتناع می‌کنند، فراهم می‌آورد. مک‌کینی<sup>۲۳</sup> و رنک<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۸) نشان دادند، نوجوانانی که حداقل یک والد مقتدر دارند، در مقایسه با نوجوانانی که چنین والدی ندارند، سازگاری بهتری دارند. آبار<sup>۲۵</sup> و دیگران (۲۰۰۹) نشان دادند، سبک والدینی مقتدر با سطح بالایی از خود - تنظیمی، عملکرد تحصیلی و مهارت‌های مطالعه در دانشجویان رابطه داشته و با مشکلات رفتاری (مصرف الکل و مواد) رابطه معناداری ندارد. پاتوک - پکام و مورگان - لوپز<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۶) دریافتند، والدین آزادگذار می‌توانند به‌طور مستقیم روی روندهای کنترل (عمومی و اختصاصی) و به‌طور غیرمستقیم در مصرف و سوءمصرف الکل در فرزندان مؤثر باشند. سبک والدینی سهل‌گیرانه با مشکلات مربوط به قانون‌شکنی، پرخاشگری و آزار و اذیت دیگران رابطه مثبت و معناداری دارد (سادات سیدموسوی، نادعلی و قنبری، ۱۳۸۷). وود<sup>۲۷</sup>، رد<sup>۲۸</sup>، میشل<sup>۲۹</sup> و برند<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۴) دریافتند، والدین آزادگذار موجب مصرف و افزایش مصرف الکل در نوجوانان می‌شوند. جکسون<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۲) دریافت، والدین مستبد و سرد با عصیان بیشتر نوجوانان رابطه داشته و آن هم با مصرف الکل ارتباط دارد (به نقل از هابس و دیگران، ۲۰۰۴). پاتوک - پکام و مورگان - لوپز (۲۰۰۹) نشان دادند، ادراک داشتن پدر مستبد، در فرزندان پسر به‌طور مثبت با روان‌نژندی ارتباط داشته و آن هم در مصرف مشروبات الکلی و مشکلات مرتبط با آن مؤثر واقع می‌شود. نتایج مطالعه حیدری، دهقانی و خدایانهی (۱۳۸۸) نشان داد که خود ناتوان‌سازی<sup>۳۲</sup> رفتاری و کلی فرزندان در سبک فرزندپروری استبدادی به‌طور معناداری بیشتر از سایر سبک‌های فرزندپروری است. جرا<sup>۳۳</sup> و دیگران (۲۰۰۹) نشان دادند، تاریخچه کودکی غفلت و مراقبت پایین والدینی (سبک بی‌اعتنا) با شدت بیشتر سوءمصرف مواد رابطه دارد. کودکان و نوجوانانی که والدین خود را بی‌اعتنا توصیف می‌کنند، به‌طور معناداری مصرف مواد و رفتارهای مربوط به جرم را نسبت به همسالان خود بیشتر گزارش می‌کنند (جکسون و دیگران، ۱۹۹۸؛ به نقل از هابس و دیگران، ۲۰۰۴).

پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه نشان می‌دهند، ممکن است بین اعتیاد و شیوه‌های تربیتی والدین رابطه وجود داشته باشد. اما همان‌طور که در صفحات قبل مطرح شد، قبل از اعتیاد استعداد و آمادگی آن ایجاد می‌شود. بنابراین بین سبک‌های والدینی و اعتیاد، استعداد اعتیاد به عنوان

میانجی عمل می‌کند. در واقع معتادان کسانی هستند که به زمینه‌های رشد ناسالم آن‌ها مواد هم اضافه می‌شود. از این دیدگاه استعداد اعتیاد یعنی وجود آمادگی برای سوء مصرف مواد، یک عامل تعیین‌کننده در برنامه‌های کاهش تقاضای مصرف مواد محسوب می‌شود. چون پس از ایجاد اعتیاد نتایج درمانی تقریباً نزدیک به صفر است (زینالی، ۱۳۸۴)، شناسایی فرزندان در معرض خطر و والدین پرخطر از اهم اقدامات پیشگیری است. بدین ترتیب در مطالعات نیاز است که این سازه مهم بیشتر شناخته شود و کیفیت رابطه آن با دیگر سازه‌های روان‌شناختی از جمله سبک‌های والدینی معلوم شود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند، قبل از اعتیاد استعداد و آمادگی آن ایجاد می‌شود و سبک‌های مختلف والدینی نتایج متفاوتی در سالم زیستن و اعتیاد فرزندان دارند. پژوهش حاضر قصد دارد بررسی کند، آیا سبک‌های والدینی مختلف به شکل‌دهی استعداد متفاوت برای اعتیاد در فرزندان می‌انجامد؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی به طرح ۲ فرضیه اقدام شد: ۱- سبک‌های والدینی پدر پیش‌بینی‌کننده معتبری برای استعداد اعتیاد در فرزندان است. ۲- سبک‌های والدینی مادر پیش‌بینی‌کننده معتبری برای استعداد اعتیاد در فرزندان است.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل ۳۰۱۸ نفر دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی خوی (بر اساس آمار سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷) بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه با  $N$  مشخص (شریفی و شریفی، ۱۳۸۳) شامل ۳۰۶ نفر برآورد شدند. جهت انتخاب آن‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر حسب رشته تحصیلی و جنسیت استفاده شد. ابتدا تعداد و درصد طبقات رشته تحصیلی و جنسیت جامعه مورد مطالعه از مرکز کامپیوتر دانشگاه اخذ شد، سپس متناسب با درصد رشته تحصیلی بر حسب جنسیت، تعداد شرکت‌کنندگان در مطالعه برآورد (جدول ۱) و متناسب با جدول شماره ۱ به صورت تصادفی از لیست اعضای جامعه انتخاب شدند.

### جدول ۱: نمونه مورد مطالعه بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی

(سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷)

جنسیت		علوم انسانی	علوم پایه	کشاورزی	فنی و مهندسی
دختر	۱۴۲	۴۳	۲۷	۳۸	۴۳
پسر	۱۶۴	۳۰	۲۸	۶۳	۳۴
کل	۳۰۶	۷۳	۵۵	۱۰۱	۷۷

شرکت‌کنندگان در پژوهش (۳۰۶ نفر) از دانشجویان سال‌های اول تا چهارم رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی و فنی و مهندسی بودند که دامنه سنی بین ۱۹ تا ۲۶ سال داشتند (چون شروع مصرف مواد در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی روی می‌دهد [یانگ<sup>۳۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۲، محمد پوراصل، فخری، رستمی و وحیدی، ۲۰۰۷]، اوج تجلی آمادگی و استعداد برای اعتیاد در این دوره خود را نشان می‌دهد. لذا مطالعه سال‌های اول تا چهارم دانشگاه که مربوط به اواخر نوجوانی و اوایل جوانی می‌باشد، حائز اهمیت فراوانی است). شرکت‌کنندگان در پژوهش همگی مجرد و نزد والدین خود زندگی می‌کردند. پس از جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه دو آزمودنی ناقص بود، لذا کنار گذاشته شد. تحلیل‌های آماری با نمونه ۳۰۴ نفر انجام پذیرفت.

### ابزارهای پژوهش

در مطالعه حاضر از دو پرسشنامه استفاده شد: پرسشنامه استعداد اعتیاد ویراست دانشجویان<sup>۳۵</sup> (ASQ-SV) و پرسشنامه سبک‌های والدینی شفر<sup>۳۶</sup> (PSQ).

**پرسشنامه استعداد اعتیاد دانشجویان:** این پرسشنامه را زینالی و وحدت (۱۳۸۸) از پرسشنامه اصلی استعداد اعتیاد (ASQ) زینالی و دیگران (۱۳۸۷) گسترش دادند. این پرسشنامه دارای ۴۰ آیتم و ۴ عامل در زمینه: رفتارها، شیوه زندگی و روابط اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و عقاید و عواطف است که بر اساس مقیاس سه درجه‌ای (۱=خیر، ۲=کمی و ۳=زیاد) لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. پایایی<sup>۳۷</sup> کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و هر یک از عامل‌ها به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۱، ۰/۷۴ و ۰/۸۱ برآورد شده است. روایی سازه<sup>۳۸</sup> پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی برآورد شده است. تحلیل عاملی ۴۰ آیتم پرسشنامه را در دامنه ۰/۳۰ تا ۰/۷۰ در ۴ عامل به خوبی بارگذاری کرده است (زینالی و وحدت، ۱۳۸۸). هم‌چنین روایی ملاکی پرسشنامه اصلی (ASQ) از طریق اجرای هم‌زمان با مقیاس استعداد اعتیاد، ۰/۶۲ برآورد شده است (زینالی و دیگران، ۱۳۸۷).

**پرسشنامه سبک‌های والدینی شفر:** بر اساس مدل تئوریک سبک‌های والدینی بامریند (۱۹۷۱) و مکوبی و مارتین (۱۹۸۳) توسط شفر (۲۰۰۰) برای مقاصد پژوهشی ساخته شده است. این پرسشنامه از ۴ پاراگراف تشکیل شده و هر پاراگراف یکی از سبک‌های والدینی (مقتدر، مستبد، آزادگذار و بی‌اعتنا) را اندازه‌گیری می‌کند (اسپیرس نومیستر و فینچ<sup>۳۹</sup>، ۲۰۰۶). این پرسشنامه توسط فرزندان تکمیل و در مقیاس شش درجه‌ای (۱=هیچ تا ۶=دقیقاً) لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه با روش بازآزمایی<sup>۴۰</sup> برای سبک‌های والدینی مقتدر، مستبد، آزادگذار و بی‌اعتنای پدر با ۳ هفته فاصله به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۷۲، ۰/۶۰ و ۰/۵۵ و برای سبک‌های والدینی

مقتدر، مستبد، آزادگذار و بی‌اعتنای مادر به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۶۶، ۰/۶۷ و ۰/۵۲ بدست آمده است. روایی سازه پرسشنامه با اخذ همبستگی بین زیرمقیاس‌ها و کل پرسشنامه برآورد شد. بررسی همبستگی‌ها نشان داد که پرسشنامه PSQ از روایی سازه متوسطی برخوردار است.

### شیوه اجرا

پژوهش حاضر غیر آزمایشی و طرح پژوهشی همبستگی از نوع پیش‌بین است. متغیرهای پیش‌بین ۴ سبک والدینی و متغیر ملاک، استعداد اعتیاد است. داده‌ها با استفاده از یک طرح از پیش تعیین شده به نسبت طبقات جنسیت و رشته تحصیلی از طریق لیست اعضای جامعه مورد مطالعه انتخاب و با مراجعه به کلاس‌ها جمع‌آوری شدند. قبل از اجرای پرسشنامه توضیحات لازم در خصوص نحوه تکمیل کردن پرسشنامه‌ها، اهمیت پژوهش، صداقت در پاسخ دادن، محرمانه بودن اطلاعات و بی‌نام بودن پرسشنامه ارائه می‌شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیری و ضریب همبستگی تفکیکی تحلیل شدند.

### یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۳۰۴ دانشجوی مجرد شرکت داشتند که ۱۴۲ نفر دختر و ۱۶۴ نفر پسر بودند. میانگین و انحراف معیار نمرات استعداد اعتیاد دانشجویان بر حسب جنسیت در جدول ۲ و بر حسب رشته تحصیلی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار استعداد اعتیاد دانشجویان

بر حسب جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف معیار
پسر	۶۰/۵۳	۱۲/۴۷
دختر	۵۶/۵۵	۸/۷۷

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار استعداد اعتیاد دانشجویان

بر حسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	میانگین	انحراف معیار
علوم انسانی	۵۷/۴۳	۹/۸۶
علوم پایه	۵۸/۱۱	۱۳/۴۰
فنی و مهندسی	۵۹/۱۰	۱۱/۱۳
کشاورزی	۵۹/۰۶	۹/۷۱



جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین استعداد اعتیاد دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است. جدول ۳ نشان می‌دهد، میانگین استعداد اعتیاد دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت چندانی با هم ندارند. پس از ارائه نتایج توصیفی پژوهش به آزمون فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. برای آزمون فرضیه اول ابتدا بین ۴ سبک والدینی پدر و استعداد اعتیاد فرزندان ضریب همبستگی تفکیکی<sup>۴۱</sup> اخذ شد (در همبستگی تفکیکی مرتبه سوم اثر ۳ سبک والدینی از رابطه سبک والدینی مورد نظر با استعداد اعتیاد حذف می‌شود). نتایج نشان دادند، بین سبک والدینی مقتدر پدر و استعداد اعتیاد رابطه منفی و معنادار وجود دارد ( $P < 0/003$  و  $r = -0/16$ ) و سبک والدینی مقتدر پدر به‌طور معناداری در کاهش استعداد اعتیاد فرزندان مؤثر است. هم‌چنین ۳٪ واریانس استعداد اعتیاد به وسیله سبک والدینی مقتدر پدر قابل تبیین است. بین سبک والدینی مستبد پدر و استعداد اعتیاد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $P < 0/000$  و  $r = 0/27$ ) و سبک والدینی مستبد پدر به‌طور معناداری در افزایش استعداد اعتیاد فرزندان مؤثر است. هم‌چنین ۷٪ واریانس استعداد اعتیاد به وسیله سبک والدینی مستبد پدر قابل تبیین است. بین سبک والدینی آزادگذار پدر و استعداد اعتیاد رابطه معنادار وجود ندارد ( $P > 0/493$  و  $r = -0/001$ ). بین سبک والدینی بی‌اعتنای پدر و استعداد اعتیاد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $P < 0/048$  و  $r = 0/10$ ) و سبک والدینی بی‌اعتنای پدر به‌طور معناداری در افزایش استعداد اعتیاد فرزندان مؤثر است. هم‌چنین ۱٪ واریانس استعداد اعتیاد به وسیله سبک والدینی بی‌اعتنای پدر قابل تبیین است (جدول شماره ۴).

جدول ۴: همبستگی تفکیکی، سطح معناداری و ضرایب تبیین سبک‌های والدینی

پدر با استعداد اعتیاد فرزندان

همبستگی تفکیکی	استعداد اعتیاد	سطح معناداری	$r^2$
مقتدر	-0/16	0/003	0/03
مستبد	0/27	0/000	0/07
آزادگذار	0/001	0/493	0/00
بی‌اعتنا	0/10	0/048	0/01

جهت تعیین تأثیر نوع سبک والدینی در پیش‌بینی میزان استعداد اعتیاد فرزندان، ۴ سبک والدینی پدر به عنوان متغیرهای پیش‌بین به روش همزمان وارد معادله رگرسیون شد. تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد، ۱۷٪ تغییرات در نمرات استعداد اعتیاد فرزندان ناشی از سبک‌های والدینی پدر است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس و معناداری آن نشان می‌دهد، مدل ارائه شده معنادار است ( $P < 0/001$  و  $F_{4, 299} = 15/14$ ) در این مدل سبک مستبد پدر بیشترین اثر معنادار و سبک مقتدر کمترین اثر معنادار را روی استعداد اعتیاد فرزندان دارد (0/28، 0/17-). سبک بی‌اعتنا و

آزادگذار پدر اثر معناداری ندارد. سبک مقتدر پدر پیش‌بینی‌کننده معکوس (منفی) و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. سبک مستبد پدر پیش‌بینی‌کننده مستقیم (مثبت) و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. سبک بی‌اعتنا و آزادگذار پدر پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار استعداد اعتیاد فرزندان نیستند (جدول شماره ۵).

جدول ۵: تحلیل رگرسیون چندمتغیری سبک‌های والدینی پدر با استعداد اعتیاد فرزندان

متغیرهای وارد شده در تحلیل	روش	R	R <sup>2</sup>	درجه آزادی	F	سطح معناداری	$\beta$	سطح معناداری
سبک مقتدر	هم‌زمان	۰/۴۱	۰/۱۷	۴	۱۵/۱۴	۰/۰۰۱	-۰/۱۷	۰/۰۱
سبک مستبد							۰/۲۸	۰/۰۱
سبک آزادگذار							۰/۰۰۱	۰/۹۷
سبک بی‌اعتنا							۰/۱۰	۰/۰۹

برای آزمون فرضیه دوم ابتدا بین ۴ سبک والدینی مادر و استعداد اعتیاد فرزندان ضریب همبستگی تفکیکی اخذ شد. نتایج نشان دادند، بین سبک والدینی مقتدر مادر و استعداد اعتیاد رابطه منفی و معناداری وجود دارد ( $P < ۰/۰۰۰$  و  $r = -۰/۲۳$ ) و سبک والدینی مقتدر مادر به‌طور معنادار در کاهش استعداد اعتیاد فرزندان مؤثر است. هم‌چنین ۵٪ واریانس استعداد اعتیاد به وسیله سبک والدینی مقتدر مادر قابل تبیین است. بین سبک والدینی مستبد مادر و استعداد اعتیاد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $P < ۰/۰۰۰$  و  $r = ۰/۱۹$ ) و سبک والدینی مستبد مادر به‌طور معنادار در افزایش استعداد اعتیاد فرزندان مؤثر است. هم‌چنین ۴٪ واریانس استعداد اعتیاد به وسیله سبک والدینی مستبد مادر قابل تبیین است. بین سبک والدینی آزادگذار مادر و استعداد اعتیاد رابطه معنادار وجود ندارد ( $P < ۰/۳۸۲$  و  $r = -۰/۰۲$ ).

جدول ۶: همبستگی تفکیکی، سطح معناداری و ضرایب تبیین سبک‌های والدینی مادر با استعداد اعتیاد فرزندان

همبستگی تفکیکی	استعداد اعتیاد	سطح معناداری	R <sup>2</sup>
مقتدر	-۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۵
مستبد	۰/۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴
آزادگذار	۰/۰۲	۰/۳۸۲	۰/۰۰
بی‌اعتنا	۰/۱۱	۰/۰۲۶	۰/۰۱

بین سبک والدینی بی‌اعتنای مادر و استعداد اعتیاد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $P < 0/026$ ) و  $r^2 = 0/11$  و سبک والدینی بی‌اعتنای مادر به‌طور معناداری در افزایش استعداد اعتیاد فرزندان مؤثر است. همچنین ۱٪ واریانس استعداد اعتیاد به وسیله سبک والدینی بی‌اعتنای مادر قابل تبیین است (جدول شماره ۶).

جهت تعیین تأثیر نوع سبک والدینی در پیش‌بینی میزان استعداد اعتیاد فرزندان، ۴ سبک والدینی مادر به عنوان متغیرهای پیش‌بین به روش همزمان وارد معادله رگرسیون شدند. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان می‌دهد، ۱۵٪ تغییرات در نمرات استعداد اعتیاد فرزندان ناشی از سبک‌های والدینی مادر است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس و معناداری آن نشان می‌دهد، مدل ارائه شده معنادار است ( $P < 0/001$  و  $F = 13/52 = 299$  و  $F_4$ ). در این مدل سبک مقتدر، مستبد و بی‌اعتنای مادر به ترتیب بیشترین تا کمترین اثر معنادار را روی استعداد اعتیاد دانشجویان دارند ( $-0/24$ ،  $0/20$  و  $0/11$ ). سبک آزادگذار مادر اثر معناداری ندارد. سبک مقتدر مادر پیش‌بینی‌کننده معکوس (منفی) و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است و سبک‌های والدینی مستبد و بی‌اعتنای مادر پیش‌بینی‌کننده‌های مستقیم (مثبت) و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان هستند. سبک آزادگذار مادر پیش‌بینی‌کننده معنادار استعداد اعتیاد فرزندان نیست (جدول شماره ۷).

جدول ۷: تحلیل رگرسیون چندمتغیری سبک‌های والدینی مادر با استعداد اعتیاد فرزندان

متغیرهای وارد شده در تحلیل	روش	R	R <sup>2</sup>	درجه آزادی	F	سطح معناداری	$\beta$	سطح معناداری
سبک مقتدر	همزمان	۰/۳۹	۰/۱۵	۴	۱۳/۵۲	۰/۰۰۱	-۰/۲۴	۰/۰۱
سبک مستبد							۰/۲۰	۰/۰۱
سبک آزادگذار							۰/۰۲	۰/۷۶
سبک بی‌اعتنا							۰/۱۱	۰/۰۵

در خاتمه این قسمت به خاطر گستردگی نتایج، خلاصه یافته‌ها بیان می‌شود: سبک والدینی مقتدر پدر رابطه منفی و معناداری با استعداد اعتیاد دارد و پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. سبک‌های والدینی مستبد و بی‌اعتنای پدر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد دارند. سبک والدینی مستبد پدر پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است اما سبک والدینی بی‌اعتنا پدر پیش‌بینی‌کننده معنادار برای استعداد اعتیاد فرزندان نیست. سبک والدینی آزادگذار پدر رابطه معنادار با استعداد اعتیاد ندارد. سبک والدینی مقتدر مادر رابطه منفی و معناداری با استعداد اعتیاد دارد و پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان

است. سبک‌های والدینی مستبد و بی‌اعتنای مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد دارند و پیش‌بینی‌کننده‌های مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان هستند. سبک والدینی آزادگذار مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد.

### بحث

مصرف دارو در نوجوانی و اوایل جوانی یک مشکل سلامتی عمومی است و ارتباط با سه علت عمده مرگ‌ومیر در میان نوجوانان و جوانان دارد: تصادفات، آدم‌کشی و خودکشی (MMWR, ۲۰۰۲). به تازگی توجه رو به افزایشی به آغاز و ادامه مصرف مواد در نوجوانان و جوانان متمرکز شده است (اسکرا و سوسمن<sup>۴۲</sup>، ۲۰۰۳). قسمتی از دلایل این افزایش توجه به سوءمصرف مواد در نوجوانان و جوانان، این است که نوجوانی و اوایل جوانی دوره اوج ریسک برای شروع مشکلات دارویی است. نوجوان و جوان مصرف‌کننده مواد دارای گرفتاری‌های منفی سلامتی و سالم زیستن بوده (میلر<sup>۴۳</sup>، لستینگ<sup>۴۴</sup> و اسمیت<sup>۴۵</sup>، ۲۰۰۱) و بین مصرف مواد توسط نوجوانان و جوانان و مشکل در عملکرد تحصیلی، افت تحصیلی، غیبت، فرار و اخراج از مدرسه (و دانشگاه) رابطه وجود دارد (چن، شس، ایوت و یگر<sup>۴۶</sup>، ۲۰۰۴). بر اساس نظریه استعداد اعتیاد، برخی افراد مستعد اعتیاد هستند و اگر در معرض آن قرار گیرند، معتاد می‌شوند در حالی که اگر کسی استعداد نداشته باشد، معتاد نمی‌شود (گندروا و گندروا، ۱۹۷۰). والدین پتانسیل بالایی برای تأثیر در رشد رفتاری کودکان و نوجوانان دارند. رابطه والد - فرزند یک عرصه منطقی برای مطالعه این‌که چرا برخی فرزندان الکل مصرف می‌کنند، برخی دیگر دارو و برخی دیگر از مصرف امتناع می‌کنند، فراهم می‌آورد (کومبس و لندسورک، ۱۹۸۸). بدین ترتیب بررسی و شناخت استعداد اعتیاد (قبل از شکل‌گیری اعتیاد) و رابطه آن با متغیرهای زیربنایی (سبک‌های والدینی) در اوایل جوانی حائز اهمیت فراوانی است.

در پژوهش حاضر مشخص شد، سبک والدینی مقتدر پدر و مادر رابطه منفی و معناداری با استعداد اعتیاد دارد و پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. سبک والدینی مستبد پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد دارد و پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. سبک والدینی بی‌اعتنای پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد دارد. سبک والدینی بی‌اعتنای مادر پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است اما سبک والدینی بی‌اعتنای پدر پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان نیست. سبک والدینی آزادگذار پدر و مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد.

یافته پژوهش حاضر در مورد سبک اقتداری والدین نشان داد که سبک والدینی مقتدر پدر و مادر رابطه منفی و معناداری با استعداد اعتیاد دارد و پیش‌بینی‌کننده معکوس و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. پژوهش‌های انجام یافته نشان می‌دهند، کودکان و نوجوانان والدین مقتدر احساس

سلامتی روان‌شناختی بهتر و تبادل رفتاری بهتری با دیگران دارند (پلرین، ۲۰۰۵). نوجوانانی که حداقل یک والد مقتدر دارند، سازگاری بهتری نسبت به نوجوانانی که چنین والدی ندارند، دارند (مک کینی و رنک، ۲۰۰۸). سبک والدینی مقتدر با مشکلات رفتاری (مصرف الکل و مواد) رابطه معناداری ندارد (آبار و دیگران، ۲۰۰۹). یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های انجام شده هماهنگ بوده و مؤید آن‌ها است. پژوهش‌های انجام گرفته و پژوهش حاضر مؤید آن است که سبک والدینی مقتدر (ترکیب توقع بالا با پاسخ‌دهی بالا) رابطه مثبتی با شاخص‌های کفایت و شایستگی و رابطه منفی با شاخص‌های رفتارهای مخاطره‌آمیز (مانند سوءمصرف مواد) دارد.

هم‌چنین در این پژوهش مشخص شد که سبک والدینی مستبد پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد دارد و پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است. پژوهش‌های انجام یافته نشان می‌دهند، کودکان و نوجوانان والدین مستبد، عیار پایینی از مشکلات رفتاری، مصرف مواد همراه با شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس پایین از خود نشان می‌دهند (پلرین، ۲۰۰۵). نوجوانان والدین مستبد و سرد با عصیان بیشتر نوجوانان رابطه داشته و آن‌هم با مصرف الکل ارتباط دارد (جکسون، ۲۰۰۲؛ به‌نقل از هایس و دیگران، ۲۰۰۴). ادراک داشتن پدر مستبد، در فرزندان پسر به‌طور مثبت با روان‌نژندی ارتباط داشته و آن‌هم در مصرف مشروبات الکلی و مشکلات مرتبط با آن مؤثر واقع می‌شود (پاتوک - پکام و مورگان - لوپز، ۲۰۰۹). یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های انجام گرفته هماهنگ بوده و مؤید آن‌ها است. پژوهش‌های انجام یافته و پژوهش حاضر مؤید آن است که سبک والدینی مستبد (ترکیب توقع بالا با پاسخ‌دهی پایین) با مشکلات رفتاری، مصرف مواد در کودکان و نوجوانان همراه بوده و کودکان و نوجوانان والدین مستبد عصیان بیشتر، شایستگی اجتماعی پایین و عزت‌نفس پایین از خود نشان می‌دهند.

در مورد سبک آزادگذاری والدین مشخص شد که سبک والدینی آزادگذار پدر و مادر رابطه معناداری با استعداد اعتیاد فرزندان ندارد. پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه نشان می‌دهند، سبک والدینی آزادگذار با سوءمصرف مواد در فرزندان رابطه مثبت دارد. پلرین (۲۰۰۵) بیان می‌کند، کودکان و نوجوانان والدین آزادگذار، عیار بالای مشکلات رفتاری و مصرف مواد دارند. پاتوک - پکام و مورگان - لوپز (۲۰۰۶) دریافتند، والدین آزادگذار می‌توانند به‌طور مستقیم روی روندهای کنترل و به‌طور غیرمستقیم در مصرف و سوءمصرف الکل در فرزندان مؤثر باشند. وود، رد، میشل و برند (۲۰۰۴) دریافتند که والدین آزادگذار موجب مصرف و افزایش مصرف الکل در نوجوانان می‌شوند. یافته پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات انجام گرفته هم‌خوانی ندارد و مؤید آن‌ها نیست. یکی از دلایل این تفاوت در نتایج، ممکن است مربوط به تفاوت‌های فرهنگی باشد. در فرهنگ کشورهای غربی به خاطر فراهم بودن شرایط و امکانات انجام رفتارهای مخاطره‌آمیز، شاید آزادگذاری فرزندان نتایج منفی در پی داشته باشد، اما در فرهنگ ایران به خاطر فراهم نبودن شرایط و امکانات انجام این‌گونه

رفتارها (حتی‌المقدور در ظاهر اجتماع) و محدودیت‌های موجود، شاید آزادگذاری فرزندان نه تنها به نتایج منفی منجر نشده بلکه ممکن است موجب افزایش دوستی والد - فرزند نیز بشود. سبک والدینی آزادگذار با سطح پایینی از توقع به همراه سطح بالایی از پاسخ‌دهی مشخص می‌شود. والدین آزادگذار گرمی و پذیرش مثبت به کودکان نشان می‌دهند اما در نتیجه رفتارهای بی‌توقع خود، کنترلی بر روی رفتارهای کودکان نشان نمی‌دهند. به نظر می‌رسد، در جامعه ایران این کنترل از طرف نظام حکومتی اعمال می‌شود و لذا می‌تواند در استعداد اعتیاد و سوءمصرف مواد فرزندان تأثیرگذار باشد. احتمالاً دلیل دوم این تفاوت می‌تواند در نمونه مورد بررسی باشد. نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه هستند، اما نمونه مورد بررسی در تحقیقات انجام یافته کودکان و نوجوانان هستند. نتایج سبک آزادگذاری والدین ممکن است برای کودکان، نوجوانان و جوانان متفاوت باشد. آزادگذاری والدین برای کودکان و نوجوانان ممکن است نتایج مخاطره‌آمیز داشته باشد و برای جوانان روشی مثبت و دوستانه باشد. در هر حال پژوهش‌های مشابه آتی روشنگر خواهند بود. توصیه می‌شود این موضوع در آینده مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.

در نهایت، مشخص شد که سبک والدینی بی‌اعتنای پدر و مادر رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد دارد. سبک والدینی بی‌اعتنای مادر پیش‌بینی‌کننده مستقیم و معنادار استعداد اعتیاد فرزندان است؛ اما سبک والدینی بی‌اعتنای پدر پیش‌بینی‌کننده معنادار استعداد اعتیاد فرزندان نیست. یافته مطالعات مربوط به سبک والدینی بی‌اعتنای پدر، کودکان و نوجوانان والدین بی‌اعتنا، بدترین بازده را در شایستگی شناختی یا اجتماعی، عملکرد تحصیلی، سلامتی روان‌شناختی و مشکلات رفتاری دارند (پلرین، ۲۰۰۵). جرا و دیگران (۲۰۰۹) نشان دادند، تاریخچه کودکی غفلت و مراقبت پایین والدینی (سبک بی‌اعتنا) با شدت بیشتر سوءمصرف مواد رابطه دارد. کودکان و نوجوانانی که والدین خود را بی‌اعتنا توصیف می‌کنند، به‌طور معناداری مصرف مواد بیشتری را گزارش می‌کنند (جکسون و دیگران، ۱۹۹۸؛ به‌نقل از هایس و دیگران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر ارتقاء روابط والدین با فرزندان به عنوان عامل محافظت‌کننده در برابر اعتیاد ذکر شده است (اکبری‌زردخانه و جوادی، ۱۳۸۸). یافته پژوهش حاضر با این یافته‌ها هماهنگ بوده و مؤید آن‌ها است. اما این‌که چرا سبک والدینی بی‌اعتنای پدر پیش‌بینی‌کننده معنادار استعداد اعتیاد فرزندان نیست، احتمالاً حکایت از نقش بنیادین مادر در ایجاد گرمی و محبت در خانواده دارد. پدر از این لحاظ در درجه دوم اهمیت قرار دارد. پدران اغلب دور از خانه درگیر مسائل اقتصادی خانواده هستند و کمتر از مادران در کنترل و اجتماعی کردن فرزندان نقش دارند. این یافته اهمیت نقش مادری را در بهزیستی فرزندان بیش از پیش نشان می‌دهد. در این ارتباط پوراحمدی، جلالی، شعیری و طهماسبیان (۱۳۸۸) دریافتند که آموزش فرزندپروری مثبت، شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای را تغییر می‌دهد و به این ترتیب مشکلات رفتاری کودکان کاهش می‌یابد.

همان‌طور که ملاحظه شد، سبک‌های والدینی مقتدر، مستبد و بی‌اعتنای پدر و مادر رابطه معنادار با استعداد اعتیاد داشتند و با مطالعات انجام یافته در این زمینه هماهنگ بودند. سبک والدینی آزادگذار پدر و مادر رابطه معنادار با استعداد اعتیاد نداشت و با مطالعات انجام یافته در این زمینه نیز هماهنگ نبود. در مورد چگونگی پیش‌بینی استعداد اعتیاد فرزندان از روی سبک‌های والدینی پدر و مادر، مشخص شد که سبک والدینی آزادگذار پدر و مادر و سبک والدینی بی‌اعتنای پدر پیش‌بینی کننده معنادار استعداد اعتیاد فرزندان نبودند. بقیه سبک‌های والدینی پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار استعداد اعتیاد فرزندان بودند. تفاوت فرهنگی و تفاوت در نمونه مورد بررسی دلیل این ناهماهنگی گزارش و پیشنهاد شد که در آینده دوباره بررسی شود. جمع‌بندی نتایج مطالعه حاضر و مطالعات انجام یافته در حوزه سبک والدینی و اعتیاد آشکار می‌کند که قبل از اعتیاد استعداد و آمادگی آن ایجاد می‌شود. سبک‌های مختلف والدینی نتایج متفاوتی در سالم زیستن و یا مستعد کردن فرزندان به اعتیاد دارند. سبک‌های والدینی مستبد و بی‌اعتنا در افزایش استعداد اعتیاد فرزندان تأثیر دارد. سبک والدینی مقتدر در کاهش استعداد اعتیاد فرزندان تأثیر دارند. سبک والدینی آزادگذار در افزایش یا کاهش استعداد اعتیاد فرزندان تأثیری ندارد.

پژوهش حاضر، سبک والدینی مقتدر را به عنوان کارآمدترین (بهترین) سبک والدینی هم از نظر کاهش استعداد اعتیاد در فرزندان و هم از نظر ایجاد سایر شایستگی‌ها (مطابق یافته‌های سایر پژوهش‌ها) معرفی می‌نماید. سبک مستبد و بی‌اعتنای والدین را به عنوان ناکارآمدترین (بدترین) سبک والدینی هم از نظر افزایش استعداد اعتیاد در فرزندان و هم از نظر کاهش سایر شایستگی‌ها (مطابق یافته‌های سایر پژوهش‌ها) معرفی می‌نماید. در مورد بازده تربیتی سبک والدینی آزادگذار برای فرزندان به دیده شک نگاه کرده و دآوری درباره آن را به عهده پژوهش‌های بعدی واگذار می‌نماید. تأکید پژوهش‌های انجام یافته در این حوزه به شکل‌گیری استعداد اعتیاد در طی زندگی و اوج تجلی آن در نوجوانی و اوایل جوانی و تأکید پژوهش حاضر به نقش بنیادین و اساسی سبک‌های والدینی در شکل‌گیری آن، لزوم توجه والدین به روش‌های تربیتی در این سنین را بیش از پیش ضروری می‌نماید. بدین لحاظ آموزش سبک والدینی کارآمد به والدین در این زمینه باید جزء اهداف اصلی برنامه‌های کاهش تقاضای مصرف مواد باشد.

#### پی‌نوشت‌ها

- |                               |  |
|-------------------------------|--|
| 1. Bio-psycho-socio-spiritual | 25. Abar                               |
| 2. Galanter                   | 26. Patoch – Peckham and morgan- Lopez |
| 3. Transition                 | 27. Wood                               |
| 4. Hiroi                      | 28. Read                               |
| 5. Agatsuma                   | 29. Mitchell                           |
| 6. Addict Prone Theory        | 30. Brand                              |

- |   |  |
|---|--|
| 7. Gendreau and Gendreau                    | 31. Jackson  |
| 8. Franke                                   | 32. Self-handicaping   |
| 9. Flagel                                   | 33. Gerra  |
| 10. Vazquez                                 | 34. Young  |
| 11. Robinson                                | 35. Addiction Susceptibility Questionnaire-<br>Student Version |
| 12. Addiction Potential Scale               | 36. Parenting Style Questionnaire                              |
| 13. Weed, Butcher, McKenna. &<br>Ben-Porath |  |
| 14. Pre – existing personality traits       | 37. Reliability  |
| 15. Demanding ness                          | 38. Construct Validity   |
| 16. Esponsiveness                           | 39. Speirs Neumeister & Finch                                  |
| 17. Authoritarian                           | 40. Test-retest  |
| 18. Authoritative                           | 41. Partial correlation  |
| 19. Permissive                              | 42. Skara & Sussman  |
| 20. Neglectful                              | 43. Miller   |
| 21. Pellerin                                | 44. Lesting  |
| 22. Combs and landsverk                     | 45. Smith  |
| 23. Mckinny                                 | 46. Chen, Sheth, Elliott & Yeager                              |
| 24. Renk                                    |  |

## منابع

- اکبری زردخانه، س.، و جوادی ر. خ. (۱۳۸۸). رابطه پایگاه هویت و روابط ولی- فرزندى در زنان معتاد. *فصلنامه خانواده-پژوهی*، ۱۹(۵)، ۳۸۵-۳۷۱.
- پوراحمدی، ا.، جلالی، م.، شعیری، م.ر.، و طهماسیان، ک. (۱۳۸۸). بررسی اثر کوتاه مدت آموزش برنامه فرزندپروری مثبت (3P) بر تغییر شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲۰(۵)، ۵۱۹-۵۳۲.
- حیدری، م.، دهقانی، م.، و خداپناهی، م. ک. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری ادراک شده و جنس بر خودناتوان سازی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۸(۵)، ۱۲۵-۱۳۷.
- زینالی، ع. (۱۳۸۴). بررسی سبب‌شناختی زمینه‌های پیش‌اعتیادی معتادان بهبود یافته (گزارش طرح پژوهشی). مرکز تحقیقات سؤمصرف و وابستگی به مواد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- زینالی، ع.، و وحدت، ر. (۱۳۸۸). *رواسازی پرسشنامه استعداد/اعتیاد ویراست دانشجویان* (گزارش طرح پژوهشی). خوی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی.
- زینالی، ع.، وحدت، ر.، و عیسوی، م. (۱۳۸۷). زمینه‌های مستعدکننده پیش‌اعتیادی معتادان بهبودیافته. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ۱۴(۱)، ۷۱-۷۹.
- سادات سیدموسوی، پ.، نادعلی، ح.، و قنبری، س. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برونی‌سازی شده در کودکان ۷ تا ۹ سال. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۴)، ۳۷-۴۹.
- شریفی، ح. پ.، و شریفی، ن. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات سخن.



فولادچنگ، م. (۱۳۸۵). نقش الگوهای خانوادگی در سازگاری نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۷)، ۲۲۱-۲۰۹.

مینوئی، م.، و صالحی، م. (۱۳۸۲). بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و هنجاریابی آزمون‌های MAC, AAS, APS و... *فصلنامه عملی، پژوهشی سؤمصرف مواد*، ۳(۱)، ۷۷-۱۰۷.

وحدت، ر. (۱۳۸۴). *بررسی استعداد اعتیاد در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های ارومیه براساس آزمون APS و برخی عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن.

وحدت، ر.، و زینالی، ع. (۱۳۸۸). *بررسی اپیدمیولوژی استعداد اعتیاد در نوجوانان چهار منطقه کشور (گزارش طرح پژوهشی)*. مرکز تحقیقات سؤمصرف و وابستگی به مواد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32, 259-273.
- Agatsuma, S., & Hiroi, N. (2004). Genetic basis of drug dependence and comorbid behavioral trait. *Japanese Journal of Psychopharmacology*, 24(3), 137-45.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4, 1-103.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- Chen, K., Sheth, A. J., Elliott, D. K., & Yeager, A. (2004). Prevalence and correlates of past-year substance use, abuse, and dependence in a suburban community sample of high-school students. *Journal of Addictive Behaviors*, 29, 413-423.
- Coombs, R. H., & Landsverk, J. (1988). Parenting styles and substance use during childhood and adolescence. *Journal of Marriage and the Family*, 50(2), 473-482.
- Flagel, S. B., Vázquez, D. M., & Robinson, T. E. (2003). Manipulations during the second week of life increase susceptibility to cocaine self-administration in a stressor and gender-specific manner. *Neuropsychopharmacology*, 28, 1741-1751.
- Franke, P., Neef, D., Weiffenbach, O., Gansicke, M., Hautzinger, M., & Maier, W. (2003). Psychiatric comorbidity in risk groups of opioid addiction: A comparison between opioid dependent and nonopioid dependent prisoners. *Fortschritte der Neurologie-Psychiatrie*, 71(1), 37-44.
- Galanter, M. (2006). Innovations: Alcohol and drug abuse: Spirituality in alcoholics anonymous: A valuable adjunct to psychiatric services. *Psychiatric Services*, 57(3), 307-9.
- Gendreau, P., & Gendreau, L. P. (1970). The "addiction-prone" personality: A study of Canadian heroin addicts. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 2, 18-25.
- Gerra, G. (2009). Childhood neglect and parental care perception in cocaine addicts: Relation with psychiatric symptoms and biological correlates. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 33, 601-610.
- Hayes, L., Smart, D., Toumbourou, J. W., & Sanson, A. (2004). *Parental influences on adolescent alcohol use*. Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- Hiroi, N., & Agatsuma, S. (2005). Genetic susceptibility to substance dependence. *Journal of Molecular Psychiatry*, 10, 336-344.
- Maccoby, E., & Martin, J. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In E. M. Hetherington (Ed.) & P. H. Mussen (Series Ed.), *Handbook of*

- child psychology, Vol. 4: Socialization, personality, and social development* (pp. 1–101). New York: Wiley.
- McKinney, C., & Renk, K. (2008). Differential parenting between mothers and fathers implications for late adolescents. *Journal of Family Issues, 29* (6), 806-827.
- Miller, T. R., Lesting, D. C., & Smith, G. S. (2001). Injury risk among medically identified alcohol and drug abusers. *Alcoholism, Clinical and Experimental Research, 25*, 54–59.
- Mohammadpoorasl, A; Fakhari, A; Rostami, F; & Vahidi, R. (2007-a). Substance abuse in Iranian high school students. *Journal of Addictive Behaviors, 32*, 622–627.
- Morbidity and Mortality Weekly Report. (2002). Youth risk behavior surveillance [Online]. Available: <http://www.cdc.gov/mmwr/preview/mmwrhtml/ss5104a1.htm#top>
- Patock-Peckham, J. A., & Morgan-Lopez, A. A. (2006). College drinking behaviors: Mediation links between parenting styles, impulse control, and alcohol-related outcomes. *Journal of Addictive Behaviors, 20*(2), 138-9.
- Patock-Peckham, J. A., & Morgan-Lopez, A. A. (2009). The gender specific mediational pathways between parenting styles, neuroticism, pathological reasons for drinking, and alcohol-related problems in emerging adulthood. *Addictive Behaviors, 34*(3), 312-315.
- Pellerin, L. A. (2005). Applying Baumrind's parenting typology to high schools: Toward a middle-range theory of authoritative socialization. *Social Science Research, 34*, 283–303.
- Shaffer, D. R. (2000). *Social and personality development*. (4<sup>th</sup> ed.). Belmont, CA: Wadsworth Publishing.
- Skara, S., & Sussman, S. (2003). A review of 25 long-term adolescent tobacco and other drug use prevention program evaluations. *Preventive Medicine, 37*, 451–474.
- Speirs Neumeister, K. L., & Finch, H. (2006). Perfectionism in high-ability student. *The Gifted Child Quarterly, 50*(3), 238-251.
- Weed, N., Butcher, N. J., McKenna, T., & Ben-Porath, Y. (1992). New measures for assessing alcohol and other drug problems with MMPI-2: The APS & AAS. *Journal of Personality Assessment, 58*, 389-404.
- Wood, M. E., Read, J. P., Mitchell, R. E., & Brand, N. H. (2004). Do parents still matter? Parent and peer influences on alcohol involvement among recent high school graduates. *Psychology of Addictive Behaviors, 18*, 19-30.
- Young, S. E., Corley, R. P., Stallings, M.C., Rhee, S. H., Crowley, T. J., & Hewitt, J. K. (2002). Substance use, abuse and dependence in adolescence: Prevalence, symptom profiles and correlates. *Drug and Alcohol Dependence, 68*, 309-322.